

ارز مقابله کند. (آن هم مقابله ای جدی) عرضه و پیش فروش سکه به بهای واقعی نیز ضلع بعدی تصمیمات بانک مرکزی بود که حتی در گذشته نیز از سوی بانک مرکزی بارها انجام گرفته بود و اما تأثیر گذارترین تصمیم بانک مرکزی که از سوی شورای عالی پول و اعتبار اعلام گردید، افزایش نرخ سود بانکی و رقابتی شدن آن بود (تا حدود ۲۱ درصد) این تصمیم هم بر اساس ساده ترین محاسبات اقتصادی، بسیار زودتر از اینها باید گرفته می شد. چرا که زمانی که نرخ تورم رسمی از سوی دولت دورقمی اعلام می شود و سود بانکیها به سپرده های مردم، نصف چنین عددی باشد، اولین اتفاق، فرار سرمایه ها از بانکها و پناه بردنشان به در دسترس ترین بازار جایگزین خواهد بود. به طور طبیعی بانک مرکزی پس از افزایش نرخ سود بانکی جلوگیری از بالا رفتن شدید سودی که بانکها از راهها و اعتباراتی که به بخش تولید داده اند می گیرند، باید این نرخ بهره بانکی را هم نظارت و هم محدود کند که اعلام کرده همین کار را خواهد کرد. جالب اینکه تمام این تصمیمات می توانست و باید پیش از بروز این بحران اتخاذ می شد و یاد دست کم برای حفظ منافع عمومی باید در کوتاه ترین زمان پس از بروز بحران به اجراء می آمد و افسوس که مدیران اقتصادی کشور زمانی حاضر به امضای این تصمیمات شدند که ماهها از بحران می گذشت و بازار داخلی ایران در آستانه فروپاشی قرار گرفت!

روش دیگری برای خرید و تهیه ارز، قاچاق و تخلف محسوب می شود، ناگفته پیداست که اختصاص هزار دلار به هر مسافر خارجی، مسافران را دچار اشکال و گرفتاری خواهد کرد و این تقاضا به طور ناخواسته بازارهای پنهان و فروش قاچاق و بالاتر از نرخ بانک مرکزی را دوباره ایجاد خواهد کرد. به همین دلیل تنها پس از گذشت چند ساعت بانک مرکزی این مبلغ را اصلاح کرد و برای سفرهای دور مبلغ ارز مسافری را به یک هزار و پانصد دلار افزایش داد و البته هنوز منظور خود را از سفرهای دور به طور رسمی اعلام نکرده است. نتیجه اینکه حتی پس از اعلام سیاستهای جدید، ناظران اقتصادی، باید نگران سکوتی از آن دست که معاون وزیر اقتصاد انجام داد و تغییرات از این دست که بانک مرکزی بلافاصله اجرا کرد، نوعی تزلزل در تصمیم گیری یا نقص در سیاستهای جدید را احساس می کنند.

بازار ایران وارد آمده است به این سادگیها ترمیم نخواهد شد. چرا که این روزها پس از اجرای بسته جدید سیاستی - نظارتی بانک مرکزی، یک بار دیگر بهای سکه رو به افزایش است و دلار هم هر چند به سختی و در کوجه های باریک و دور از چشم مردم معامله می شود اما در همین بازار غیر رسمی، حدود ۵۰ درصد گران تر از آنچه دولت اعلام کرد، خرید و فروش می شود!

قطره ای از دریای زبان شناسی



مصطفی گلپایزی

معنی حقیقی در زبان شناسی

زبان فارسی زبانی ترکیبی است و با ترکیب اسم و فعل و صفت و قید و عدد و حرف ربط و اضافه و... می توانیم کلمات جدیدی بسازیم.

مثال:

گران + جان = گرانجان یعنی آدم مغرور و عویسی. در این حالت معمولاً یکی یا همه اجزای کلمه جدید در معنی حقیقی خودشان به کار نمی روند. مثال: در واژه بی دست و پا کلمات «دست» و «پا» در معنای غیر حقیقی خود به کار رفته اند و با ترکیب چهار کلمه «بی»، «دست»، «و» و «پا» کلمه ای ساخته شده که تقریباً به معنی بی عرضه است.

ترکیبی بودن زبان فارسی از ویژگی های مثبت این زبان است زیرا می تواند با ترکیب چند کلمه مفهوم تازه ای خلق کند. ضمن این که مانند زبان عربی، ریشه های هم کار می کند. یعنی می تواند از مصدر فعلی، کلمات دیگری بسازد.

مثال: از مصدر آمدن:

«ننه جون ترشی انداختن واسه ما اومد نداره» می بینید که معنی حقیقی آمدن در آمدن داشتن اصلاً وجود ندارد.

یادر آمدیم و: «اومدیم و گیر افتادیم. اونوخ جواب ننه شو چی بدیم؟»
یادر در آمدن: «در اومدم بهش گفتم ننه از کجا میخاد بدونه؟»

در هیچ یک از این مثال های زیبا که در گویش مردم قزوین و فراوان شنیده می شوند، آمدن در معنای حقیقی خودش به کار نرفته است.

توضیح:

این را هم بگویم که برخی از ترکیب هادر روزگاری که ساخته می شده اند، معنی حقیقی خود را نیز داشتند. مانند یخچال که به چال یا گودال بزرگی می گفتند که در کوه بود و آب در آن یخ می بست. یا پایکوبی که درست به معنی کوبیدن پا بر زمین بوده. هنوز هم در برخی از روستاها وقتی که دامادی به خانه بخت می رود، مردم به شادی آنها پایکوبی می کنند یعنی رقصی که نیازی نیست در لفافه به آن بگویم حرکات موزون زیرا فقط پا بر زمین می کوبند و دست می زنند. امروز «یخچال» نام وسیله ای است گرانبها که سایدش بای ساید خودش است و از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در آن جامی گیرد. این کجا و چالی در کوه کجا!

پایکوبی هم امروز یعنی صد و سی چهل نفر در هم می لولند و از فرق سر تا کف پای خود را تکان می دهند و هی حرکات موزون می کنند! حتی در برخی از این حرکات موزون اگر به سبک جناب مایکل خان جکسونی باشد، اصلاً به پای نیازی نیست زیرا در این شیوه با پا کاری ندارند و فقط روی شانه های خود می چرخند. ببینید پایکوبی هوی مثالها کجا و پایکوبی روستاییان کجا!

سؤال: به واژه های ترکیبی این جمله ها توجه کنید: خواستم بروم شام بخورم، صدای تلفن به گوشم خورد.

گفت اموال تو بالا کشید و همه رو خورد به آیم روش.

با کله به دیوار خوردم، تو هم غصه خوردی، در شمال زنگ ماشین تو خورد.

وقتی هوا پیمایی به مسیرم خورد، اومدم و از تو پیرهنی گرفتم که رنگش به رنگ شلوارم می خورد. کاش کفشتم هم به پام می خورد، به تو میگویند دوست به درد بخور...!

حالا اگر پیرسم کدام یک از این «خورد» هادر معنی حقیقی خود به کار رفته اند، چه می گویند؟

از سیصد نفر پرسیدم. بیشترشان گفتند: «خواستم بروم شام بخورم» حقیقی است. گروه کمتری نیز فعل را در دو جمله دیگر هم حقیقی دانستند: «اموال تو بالا کشید و همه رو خورد، زنگ ماشین تو خورد»

زیرا معتقد بودند در این دو جمله فعل به نوعی معنی خوردن حقیقی را می دهد.

حالا به چند مثال دیگر توجه کنید و بگویید در کدام مثال «خوردن» حقیقی است؟

شو کولات نخور، شیر بخور، بازم آدامس خوردی؟ گر به گوشت رو خورد، تو سوپ می خوری، رفتم هوا خوری، آب نبات خوردم، بستنی هم خوردم، ناخون تو نخور!...

شاید جواب شما فقط جمله «گر به گوشت رو خورد» باشد. شاید هم تمام مثالها را در معنی حقیقی بدانید زیرا بستنی هم نوعی خوردنی است یا امروز به جای نوشیدن، خوردن هم به کار می رود پس آب خورد هم حقیقی است. شاید تنها فرقی که در این خوردن ها باشد، شیوه استفاده از لب و دندان و دست و زبان و شکل فرودادن است مثل بلعیدن و جویدن. حالا پرسش دیگری پیش می آید که از پرسش قبلی مهم تر است:

پرسش مهم:

اگر فعل ها و اجزای کلمات مرکب، معنی حقیقی ندارند، پس چیستند و چه معنایی دارند؟
حالا اگر اجازه بدهید چون مجال این ستون رو به تمامی است و پاسخ این پرسش نیز مجال کافی می خواهد در شماره آینده به این پرسش پاسخ دهم و در این فاصله نیز ذهن شما را درگیر آن نمایم.

ادامه دارد